

معارف بنیادین

در نخستین وحی قرآنی بر پیامبر ﷺ

محمد الهی خراسانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

چکیده

به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مورخان و مفسران، نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ، آیاتی از ابتدای سوره مبارکه علق بوده است که مضمون پر بار این آیات، به خوبی بر این مطلب گواهی می‌دهد. تأملی جدی در محتوای آیات آغازین سوره علق نشان می‌دهد معارفی بنیادین در شناخت اصول و مبانی اعتقادی اسلام، در این آیات کوتاه گنجانده شده است. در این مقاله آموزه‌های بنیادینی که از پنج آیه نخست سوره علق برداشت شده است در چهار محور: انسان‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی و مکتب‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

گوناگون دیگری نیز بر پیامبر ﷺ نازل شده است، وحی نازل شده بر آن حضرت را می‌توان به دو نوع «وحی قرآنی» و «وحی غیر قرآنی» تقسیم نمود. «وحی قرآنی» عبارت است از معارف نازل شده بر پیامبر در قالب کلام الهی که مقرون به تحدی است و «وحی غیر قرآنی» عبارت

پیامبر اکرم ﷺ مانند سایر رسولان الهی، از راه «وحی» با عالم غیب و ملکوت متصل بوده و از آن طریق، حقایق و معارف الهی را دریافت می‌نموده‌اند. «قرآن کریم» نیز از طریق وحی، بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است. از آن جا که غیر از آیات قرآنی، معارف

است از معارف نازل شده‌ای که مقرون به تحدی نیست؛ خواه در قالب کلام الهی درآمده باشد؛ خواه درنیامده باشد.

به اعتقاد اکثر مفسران، نخستین وحی قرآنی بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آیاتی از سوره مبارکه علق بوده است.^۱ در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

«أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ...»^۲.

روایات متعددی نیز در منابع روایی اهل سنت آمده است که بر همین مطلب دلالت می‌کند.^۳

در تعیین «واحد نزول»^۴ نخستین وحی قرآنی، بیشتر مفسران و محققان تاریخ قرآن برآنند که «واحد نزول»، پنج آیه نخستین سوره علق بوده است^۵ و روایاتی نیز این نظر را تأیید می‌کند.^۶ در برابر، برخی نیز معتقدند «واحد نزول»، سوره علق به طور کامل بوده است.^۷ قدر متیقن هر دو قول آن است که

هذه السورة أول ما نزل من القرآن» (مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۸۰). قرطبی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز در تفسیر خویش می‌گوید: «هذه السورة أول ما نزل من القرآن في قول معظم المفسرين» (الجامع لأحكام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۱۷). شایان ذکر است که در میان مفسران، تنها زمخشری مدعی شده است: «أكثر المفسرين على أن الفاتحة أول ما نزل» (الكشاف، ج ۴، ص ۷۶۶). ابن حجر عسقلانی در فتح الباری پس از نقل قول زمخشری می‌گوید: «والذي ذهب أكثر الأئمة إليه هو الأول (سورة العلق). واما الذي نسبة الى الأكثر فلم يقل به إلا عدد أقل من القليل بالنسبة الى من قال بالأول» (فتح الباری، ج ۸، ص ۷۱۴).

۲- الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸. شیخ صدوق نیز همین مضمون را از طریق حضرت رضی عَلَيْهِ السَّلَام به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام با اندکی تفاوت در الفاظ آورده است. بنگرید به: عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۹.

۳- بنگرید به: الدر المنثور، ج ۸، ص ۵۱۳-۵۱۶.

۴- واحد نزول عبارت است از بخشی از قرآن که در هر بار نزول وحی، بر پیامبر نازل شده است. (درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، ص ۲).

۵- طبرسی می‌گوید: «و أول يوم نزل جبرائيل عَلَيْهِ السَّلَام على رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هو قائم على حراء، علمه خمس آيات من أول هذه السورة (العلق)» (مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۷۸۰). همچنین بنگرید به: مناهل العرفان، ج ۱، ص ۸۹؛ تاریخ قرآن، ص ۵۵۸؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۵۴.

۶- بنگرید به: الدر المنثور، ج ۸، ص ۵۱۳-۵۱۶.

۷- مانند علامه طباطبایی در تفسیر المیزان. بنگرید به: المیزان، ج ۲۰، ص ۳۲۲.

۱- شیخ طوسی در تفسیر خویش آورده است: «روی عن عائشة و مجاهد و عطاء و ابن سيار: إن أول آية نزلت قوله ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ و هو قول أكثر المفسرين» (التبيان، ج ۱۰، ص ۳۷۸). شیخ طبرسی نیز چنین می‌گوید: «و أكثر المفسرين على أنَّ

وحی قرآنی بر پیامبر، با آیات نخستین سوره علق آغاز شده است. مضمون پربار این آیات نیز به خوبی بر این مطلب گواهی می‌دهد. تأملی جدی در محتوای آیات نخستین سوره علق نشان می‌دهد که معارفی بنیادین در شناخت اصول و مبانی اعتقادی اسلام، در قالب الفاظ محدود و عبارات کوتاه این آیات گنجانده شده است.

در این نوشتار، نکاتی که از پنج آیه نخست سوره مبارکه علق برداشت شده است، در چهار محور انسان‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی و مکتب‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از طرح بحث، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

الف- در برداشت از آیات، از انواع دلالات و قراین در چارچوب ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره استفاده شده است.^۱
ب- در ذیل نکاتی که در تفاسیر بدان‌ها اشاره شده است، نام تفسیر و نشانی مطلب، قید شده است.

ج- از طرح نکاتی که دلالت آیات بر آنها واضح و رسا نیست، صرف نظر گردیده است.

د- از تأویل آیات به معنای حمل آن‌ها بر آن قسم از معانی و مصادیق که فهم آن بر

مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره میسر نیست، خودداری شده است؛ چرا که علم به این معانی و مصادیق، منحصر به خداوند متعال و راسخان در علم است.^۲

ه- در این نوشتار تنها نکاتی مطرح می‌گردند که به آموزه‌ای بنیادین در مبانی اعتقادی اسلام اشاره دارند.

۱- انسان‌شناسی

انسان تا خود را نشناسد و به امتیازات و نقایص خویش پی نبرد، حرکتی را در جهت تکامل خویش آغاز نمی‌کند. «خداشناسی» و به دنبال آن «راهنماشناسی» متوقف بر «خودشناسی» است.

در آیات نخستین سوره علق، به زوایای مهمی از «انسان‌شناسی» در دیدگاه اسلام اشاره شده است.

۱-۱. انسان، مخلوق خداوند

نخستین و مهم‌ترین آموزه اسلام در انسان‌شناسی، تأکید بر مخلوق بودن انسان

۱- «تفسیر» در تعریفی جامع عبارت است از: «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خداوند متعال از آن، بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره». برای توضیح بیشتر، بنگرید به: روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۳۴.

است. توجه به این مطلب، از سویی انسان را از توهم استقلال و بی‌نیازی مطلق باز می‌دارد و از سوی دیگر، تعامل او را با تمام موجوداتی که مانند او مخلوق خداوندند، تصحیح می‌کند. آیه دوم سوره علق به صراحت از این آموزه سخن می‌گوید ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾.

۲-۱. انسان، اشرف مخلوقات

انسان از دیدگاه اسلام، در عین آن که از جمله مخلوقات پروردگار است، به دلیل ویژگی‌هایی که داراست، ممتاز و برتر از همه آنهاست. در آیه نخستین آن‌گاه که به خالقیت پروردگار به طور کلی اشاره می‌شود ﴿رَبُّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾، مصداق قابل ذکر از میان تمام مخلوقات، انسان است ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ و بدین ترتیب، آفرینش او ممتاز از سایر مخلوقات بیان می‌شود^۱.

۳-۱. مبدأ حیات انسان

در آیه دوم، به مبدأ حیات انسان که «خون لخته» ای بیش نبوده، اشاره شده است ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾. اشاره به این واقعیت، که از یک سو انسان را متوجه خلقت شگفت و پیچیده‌اش می‌سازد و از سوی دیگر، صورت اولیه ناچیز و بی‌ارزش وی را بدو

یادآوری می‌کند، در «خودسازی»، نقش بسزایی دارد.

۴-۱. رابطه کریمانه خدا با انسان

رابطه خدا با انسان، رابطه‌ای کریمانه است. از دیدگاه اسلام، خداوند همه بندگان را بدون ملاحظه استحقاقشان، مورد لطف و رحمت عام خویش قرار می‌دهد.

در آیه سوم، در خطابی سرشار از مهر و عطف، به پیامبر گفته می‌شود: «پروردگار تو، کریم‌ترین [کریمان] است»^۲ ﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ و از جلوه‌های کرم او، آن است که انسان را به حال خویش رها نکرد و خود، هدایت و تعلیم وی را بر عهده گرفت و او را از ظلمت جهل و نادانی بیرون آورد ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ﴾^۳.

۵-۱. نعمت دانایی انسان

مهم‌ترین ویژگی برجسته انسان در مقایسه با سایر موجودات، دانایی اکتسابی اوست. حیوانات نیز اگر شعور دارند،

۱- تفسیر نوین، ص ۲۵۲؛ پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۱۷۹.

۲- بر اساس ترجمه استاد فولادوند.

۳- من وحی القرآن، ج ۲۴، ص ۳۳۵.

غریزی است و نه اکتسابی و به همین دلیل، قابل افزایش نمی‌باشد.

پس از اصل خلقت انسان که در آیه دوم بدان اشاره می‌شود ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾، خصیصه وجودی شایان ذکر او، دانایی و دانش‌پذیری است که مصدر اصلی و حقیقی آن، خداوند یکتاست ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ و در حقیقت بعد از خلقت، دانایی، بزرگ‌ترین نعمت خداوند به انسان است.^۱

۱-۶. ابعاد وجودی انسان

انسان، از دیدگاه اسلام موجودی یک بعدی نیست. وی علاوه بر پیکری مادی و آفریده از «علق»، بُعدی فرامادی نیز در وجود خویش دارد که می‌تواند در آن علم و آگاهی بی‌اندازه‌ای را جای دهد و هر دم نیز بر آن بیفزاید ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ و این موهبتی است که سایر موجودات از آن بی‌بهره‌اند. این وجود پیچیده انسان است که از نطفه‌ای ناچیز ﴿مِنْ عَلَقٍ﴾، تبدیل به موجودی آگاه و ظرف علوم و معارف می‌شود^۲ ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾.

۲- خداشناسی

۱-۲. توحید

مهم‌ترین اصل در خداشناسی از دیدگاه

اسلام، «توحید» است. «توحید» به معنای یکتاپرستی، گستره وسیعی دارد که در دو ساحت اندیشه و عمل راه می‌یابد. بر این اساس، «توحید» به دو بخش «توحید نظری» و «توحید عملی» تقسیم می‌شود. «توحید نظری» عبارت است از اعتقاد به یکتایی خداوند به لحاظ ذات، صفات و افعال. آن‌گاه که این اعتقاد در قلب آدمی ریشه دواند، به اعمال و رفتار او صبغه خاصی می‌بخشد و به تعبیری کردار او را نیز «توحیدی» و «موحدانه» می‌گرداند و این معنای «توحید عملی» است.^۳ در آیات نخستین سوره علق، به شاخه‌های گوناگونی از «توحید نظری» و

۱- شهید ثانی در منیه المرید چنین می‌گوید: «و جعل سبحانه أعلى شرف و أول منة امتن بها علی ابن آدم بعد خلقه و ابراهه من ظلمة العدم إلى ضیاء الوجود؛ فقال سبحانه فی أول سورة أنزلها علی نبيه محمد ﷺ: ﴿اقرأ باسم ربك الذي خلق... الذي علم بالقلم. علم الإنسان ما لم يعلم﴾ (العلق / ۱-۵). فتأمل كيف افتتح كتابه الكريم المجيد ﴿الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه تنزيل من حكيم حميد﴾ (فصلت / ۴۲) بنعمة الإيجاد، ثم أردفها بنعمة العلم؛ فلو كان ثمة منة أو توجد نعمة بعد نعمة الإيجاد هي أعلى من العلم لما خصه الله تعالى بذلك» (منية المرید، ص ۹۳ و ۹۴).

۲- تقریب القرآن، ج ۱، ص ۷۰۴.

۳- تقریب القرآن، ج ۱، ص ۷۰۴.

«توحید عملی» اشاره شده است.

او ﴿رَبُّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾، بیانگر این نکته است که بهترین دلیل بر ربوبیت او، خالقیت اوست. به بیان دیگر، کسی عالم را تدبیر می‌کند که آفریننده آن است و او کسی جز خداوند یکتا نیست و این معنای «توحید در ربوبیت» است که در حقیقت پاسخی است به مشرکان عرب که خالقیت خدا را پذیرفته بودند، اما ربوبیت و تدبیر را برای بت‌ها قائل بودند و به همین دلیل، آن‌ها را عبادت می‌کردند.^۲

۲-۱-۲. توحید عملی

الف - توحید در عبادت: یکی از جلوه‌های توحید در اعمال انسان است و به این معناست که انسان موحد، فقط خداوند یکتا را شایسته عبادت می‌داند و تنها به درگاه او جبین می‌ساید.

آیه نخستین با ردّ اعتقاد مشرکان که برای بت‌ها ربوبیت و تدبیر قائل بوده و بدین جهت، آن‌ها را شایسته پرستش و عبادت می‌دانستند، بیانگر آن است که رب، همان

۱-۱-۲. توحید نظری

الف - توحید ذاتی: مهم‌ترین رکن «توحید نظری»، «توحید ذاتی» است. جدای از تقریرات مبسوط کلامی که از «توحید ذاتی» شده است، معنای ساده و روشن آن این است که خدا یکتای بی‌همتاست.

در آیه نخست به پیامبر خطاب می‌شود که: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ». «رَبِّكَ» تنها یک خدا و او همان پروردگار توست که موجودات را خلق کرده است ﴿رَبُّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾.

ب - توحید افعالی: یکی دیگر از شاخه‌های توحید نظری است به معنای اعتقاد به این که خداوند همان‌گونه که در ذات خود یکتاست، در افعال خود نیز یگانه است و شریک و همکاری ندارد. توحید افعالی نیز خود اقسامی دارد که از جمله آن‌ها، «توحید در خالقیت» و «توحید در ربوبیت» است.

در آیه نخست ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾، عدم ذکر مفعول برای فعل «خلق»، افاده عموم می‌کند؛ بدین معنا که خالق تمامی مخلوقات، پروردگار یکتاست^۱ و این همان «توحید در خالقیت» است. همچنین توصیف خداوند به «الذی خلق»، پس از بیان ربوبیت

۱- التفسیر الکاشف، ج ۷، ص ۵۱۷؛ تفسیر راهنما، ج ۲۰، ص ۱۵۶.

۲- تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۲۳؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۶.

خالق یکتاست ﴿... رَبُّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ که بدین ترتیب، عبادت نیز تنها شایسته اوست.
ب - توحید در استعانت: یکی دیگر از اقسام توحید عملی است؛ بدین معنا که در همه حال، تنها باید از خداوند یکتا مدد جست.

در آیه نخست، امر به خواندن با استعانت از نام پروردگار شده است ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾^۱.

۲-۲. صفات الهی

۲-۲-۱. قدرت الهی

یکی از صفات ذاتی پروردگار، قدرت نامحدود اوست. در آیه دوم، به یکی از جلوه‌های با عظمت قدرت الهی، یعنی خلقت موجود پیچیده‌ای به نام «انسان» از ماده‌ای پست و ناچیز به نام «علق» تصریح شده است ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾.

۲-۲-۲. علم الهی

یکی دیگر از صفات ذاتی پروردگار، علم بی‌منتهای اوست. در آیات چهارم و پنجم، خداوند، به عنوان معلمی توصیف می‌شود که نادانسته‌های انسان را به دانسته‌ها مبدل می‌سازد ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ و بدیهی است که «تعلیم»، فعل «عالم» است^۲.

۳- راهنماشناسی

در آیات نخستین سوره علق، به هویت و رسالت پیامبر اسلام و به‌طور کلی پیامبران الهی اشاره شده است.

۳-۱. هویت پیامبران

هویت پیامبر اعظم ﷺ چیزی جز «عبد» پروردگار نیست. بزرگ‌ترین پیامبران صاحب شریعت نیز همگی «بنده» پروردگارند؛ نه «شریک» پروردگار و نه «فرزند» او. توصیف خداوند با واژه «ربک» در آیات اول و سوم ﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ به خوبی، گویای این حقیقت است.

۳-۲. رسالت پیامبران

آنچه پیامبران صاحب شریعت، به جامعه بشری عرضه نموده‌اند، تنها پیام الهی است. آنان این پیام را دریافت نموده و به مردم ابلاغ نموده‌اند. شریعت پیامبران بزرگ، آن‌چنان که برخی مستشرقان گمان برده‌اند، محصول نبوغ فکری و یا عوامل محیطی نبوده است.

۱- تفسیر راهنما، ج ۲۰، ص ۵۹۸.

۲- مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۱۵. عبارت شیخ طبرسی چنین است: «و فی هذا دلالة علی أنه سبحانه عالم لأن العلم لا يقع إلا من عالم».

خطاب «اقرأ» به پیامبر در آیات اول و سوم ﴿اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ ... اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْاَكْرَمُ﴾ حاکی از دریافت پیامی آسمانی توسط پیامبر است.

۴- مکتب شناسی

در آیات آغازین سوره علق، پاره‌ای از مهم‌ترین و بی‌ژگی‌های مکتب اسلام، به روشنی منعکس شده است.

۱-۴ جهان شمولی

همه انسان‌ها در سرتاسر گیتی، مخاطب اسلام‌اند و در نظر اسلام، هیچ یک از طبقه‌بندی‌های نژادی، جنسیتی و... مطرح نیست. روی سخن این آیات نیز با «انسان» است. ﴿خَلَقَ الْاِنْسَانَ ... عَلَّمَ الْاِنْسَانَ...﴾ نه «عرب» که نژادی خاص است؛ نه «تاجر» که طبقه‌ای خاص است؛ نه «مرد» که جنسی خاص است و نه «قریش» که قومی خاص است.^۱

۲-۴ جامعیت

در این آیات، توجه توأمان به تکامل جسم و پیکر انسان ﴿خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ و عقل و جان او ﴿عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ شده است^۲ و این بیانگر جامعیت در نگاه به موضوعات است.

۳-۴ جهت‌گیری کلی

جهت‌گیری کلی در اسلام، جهت‌گیری توحیدی است و از آن‌جا که مصدر همه امور، خداست ﴿رَبُّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْاِنْسَانَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْاِنْسَانَ...﴾ هر حرکتی نیز باید به نام او و با یاد او و استعانت از او انجام گیرد ﴿اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ...﴾^۳.

۴-۴ ارزش بنیادین علم

در اسلام، «علم» ارزشی بنیادین است و فصلی پر بار از تعالیم اسلامی بدان اختصاص یافته است. در این آیات نیز که از نخستین آیات نازل شده بر پیامبر است، سخن از «علم» و «تعلیم» به میان آمده است ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾؛ آن هم در محیطی همچون حجاز که سرزمینی دور از علم و دانش و گرفتار خرافات جاهلی است^۴

۱- التفسیر الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷؛ مخزن العرفان، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۹.

۳- فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۹۳۹.

۴- «گیورگیو» نویسنده کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» در کتاب خود می‌نویسد: «من واقعاً به همه مسلمانان جهان تبریک می‌گویم که پیغمبر آن‌ها با این که در سرزمین «أُمَیَّت» مبعوث شد، سخن خود را با علم، سواد، معلومات، دفتر و قلم شروع کرد». (نقل از: سوگندهای قرآن، ص ۱۶۸).

و خطاب به پیامبری که خود «امّی» و ناخوانده و نانوشته است.^۱

منابع و مأخذ

- ۱- بابایی، علی اکبر و همکاران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، سمت، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۲- بانو امین، مخزن العرفان، انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، اصفهان، [بی تا].
- ۳- حاجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۴- الحسینی شیرازی، السید محمد، تقریب القرآن الی الأذهان، دارالعلم، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- ۵- دروزه، محمد عزة، التفسیر الحديث، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ۶- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴ش.
- ۷- رزاقی، ابوالقاسم، سوگندهای قرآن، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۳ش.
- ۸- رفسنجانی، اکبر هاشمی و همکاران، تفسیر راهنما، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳ش.
- ۹- الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مآهل العرفان فی علوم القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ۱۰- الزمخشري، جارالله، الکشاف، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۱۱- سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، طه، قم، ۱۳۷۷ش.
- ۱۲- سید قطب، فی ظلال القرآن، دارالشرق، ۱۹۷۲م.
- ۱۳- السیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ۱۴- شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ش.
- ۱۵- (الشیخ الصدوق)، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ۱۶- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۱۷- الطباطبائی، السید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۲ق.
- ۱۸- الطبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳ق.
- ۱۹- الطوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت [بی تا].
- ۲۰- العاملی (الشهید الثاني)، زین الدین بن علی، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۲۱- العسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دارالمعرفة، بیروت، [بی تا].
- ۲۲- فضل الله، السید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- ۲۳- القرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، مؤسسه التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- ۲۴- الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ق.
- ۲۵- المغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰م.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۲۷- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، نشر هستی نما، تهران، ۱۳۸۰ش.

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۶۹.